آینه

جمهوری اسلامی

صرفاجهت‌اطلاع

● در شرایطی که مشکلات اقتصادی، زندگی را بر مردم دشوار کرده، در شیراز کلنگ توسعه حرم مادر شاهچراغ با بودجه ۱۱میلیاردی به زمین زده شد! قسمت اول این طرح قرار است ظرف سه سال اجرا شود و در صورت تأمین بودجه جهت تملک زمین‌های اطراف، قسمت‌های دوم و سوم این طرح نیز به اجرا درخواهد آمد. از شهرداری شیراز نیز خواسته شده برای تأمین بودجه به این طرح کمک کند. به دست‌اندرکاران این طرح توصیه می‌کنیم به جای این اقدام غیرضروری، این بودجه را صرف کمک به فقرای منطقه کنند و از این طریق قلب حضرت احمدبن شاهچراغ را شاد نمایند.

خراسان

سندملی‌تربیت‌جنسی‌معطل‌تصویب‌دولت

● بعد از هیاهویی که طی دو سال اخیر درخصوص اجرای سند آموزشی ۲۰۳۰ به‌ویژه در بخش آموزش‌های جنسی به کودکان ایجاد شد توقع بود که مسئولان دست‌به‌کار شوند و راهکاری علمی، ایرانی و اسلامی برای آموزش مراقبت‌های خصوصی و تربیت مسائل جنسی به کودکان و نوجوانان و جوانان بیندیشند و آن را به مرحله اجرا برسانند اما اکنون اگرچه عضو شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده از تصویب طرح سند تربیت جنسی در سال گذشته در این شورا خبر می‌دهد ولی از معطل‌ماندن تصویب آن در شورای عالی انقلاب فرهنگی و ابلاغ آن توسط ریاست‌جمهوری گله‌مند است. کبری خزعلی در گفت‌وگو با خراسان از انتظاری می‌گوید که از مهرماه سال گذشته آغاز شده و هنوز به نتیجه نرسیده است.

دنیای اقتصاد

انتقاد‌ازخلع‌سلاح‌ارزی

● رئیس‌کل پیشین بانک مرکزی ذخایر ارزی را به‌مثابه فشنگ و مهمات در دوره‌ای که آمریکا جنگ اقتصادی علیه کشور برپا کرده دانست و به سیاست‌های جدید دولت که نتیجه آن خلع سلاح ارزی است، انتقاد کرد. طهماسب مظاهری در نشستی در اتاق بازرگانی تهران با اشاره به تکرار خطاهای دولت‌های گذشته در حوزه سیاست‌های ارزی در شرایط فعلی کشور، نسبت به روند ثبت سفارش‌های واردات به‌دلیل تأکید دولت بر نرخ چهارهزارو ۲۰۰ تومان، هشدار داد. بعد از تصمیم جدید دولت برای مدیریت بازار ارز و تعیین نرخ چهارهزارو ۲۰۰ تومان به‌عنوان تنها نرخ رسمی، بسیاری از کارشناسان افزایش عطش برای واردات کالا را پیش‌بینی کردند. موضوعی که در آمار ثبت سفارش‌های واردات در دو ماه منتهی به اردیبهشت امسال نیز منعکس شد و به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسید. این آمار در حالی ثبت شده که به اعتقاد رئیس‌کل پیشین بانک مرکزی، اکنون حفظ هر یک دلار نیز حائز اهمیت است و تداوم این سیاست دستمان را از ذخایر ارزی خالی می‌کند.

جوان

رئیس‌دولت‌علیه‌دولت

● دکتر روحانی سودجویان اقتصادی را تهدید به برخورد قاطع مالیاتی کرده است که خود این موضوع این سؤال مهم را در اذهان متبادر می‌کند که مخاطب این تهدید کیست و چرا حداقل از اول امسال با چنین ابزاری با محتکران و سودجویان برخورد نشده است؟

به نظر می‌رسد با توجه به شواهد و قرائن مخاطب اصلی این تهدیدات خود دولتی‌ها اعم از دستگاه‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به دولت است... . سؤال قابل‌توجه این است که واردکنندگان کالاهای اساسی و یا کالاهایی مانند خودرو و قطعات آن چه کسانی هستند و دولت با ابزار مالیاتی در برخورد با دولتی‌ها و شرکت‌های دولتی مانند خودروسازان چگونه می‌خواهد قیمت تمام‌شده را پایین بیاورد و نکته دیگر اینکه آیا اخذ مالیات از این شرکت‌ها از دولت گرفتن و به دولت دادن نیست؟

قانون

لابی‌کشیدن‌درواردات‌خودرو

● وقتی مسئولان کشور در خواب ناز به سر می‌بردند، سایت وزارت صنعت هک و به یکباره پنج هزار خودروی لوکس وارد کشور شد. فروردین سال جاری بود که خبر واردات غیرقانونی شش‌هزارو ۴۰۰ خودرو در سرتیتر خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری قرار گرفت. وارداتی که مربوط به سال ۹۶ می‌شود و در حالی صورت گرفته که ثبت سفارش خودرو متوقف شده بود. به گفته مسئولان امکان ثبت سفارش در آن زمان وجود نداشت، اما حجم عظیمی از واردات در فصل ممنوعیت، وارد کشور شده است که از همان زمان تاکنون بحث‌ها و تنش‌های فراوانی را چه در رسانه‌ها و چه در میان دولتمردان به وجود آورده است. پس از این اتفاق و پیچیدن این خبر در رسانه‌ها، مسئولان مربوطه مشکلات فنی سایت ثبت سفارش را بهانه کرده و برخی دیگر دلیل این حجم از واردات را تخلف عده‌ای از سودجویان اعلام کردند. یکی از این افراد مجتبی خسروتاج، رئیس سازمان توسعه تجارت است؛ او وجود تخلف را به صراحت اعلام کرد و گفت که در زمان بسته‌بودن ثبت سفارش واردات خودرو در سال گذشته، شش‌هزارو ۴۰۰ دستگاه خودرو به صورت غیرقانونی ثبت سفارش و وارد شده است.

politics@sharghdaily.ir

عکس: امیر جدیدی

در گفت‌وگو با هاشم آقاجری بررسی شد

شریعتی به چه کار امروز می‌آید

شرق: هوای همه‌جا گرم است. از حیاط داغ و راهروهای گرم دانشگاه تربیت‌مدرس عبور می‌کنم تا به اتاق دکتر هاشم آقاجری برسم. روی در پیغام گذاشته که بازمی‌گردد. ایام تعطیلی دانشگاه است و من با کمی اغماض، تنها فرد حاضر در راهروهای تودرتوی دالان‌مانند دانشگاه هستم. ۱۰ دقیقه از قرارمان گذشته که وارد اتاقش می‌شویم. امروز سالگرد درگذشت علی شریعتی است و قرار است گفت‌وگو را به همین موضوع اختصاص دهیم؛ اما وقت تنگ است. آقاجری پشت میزش می‌نشیند، برگه‌ای را که نکات مدنظرش است مقابلش می‌گذارد، سیگار را بر چوب‌سیگارش گذاشته و در حالی که پک‌های آهسته و باوقفه‌ای به آن می‌زند، هم‌زمان شروع می‌کند به پاسخ‌گویی. آقاجری اگر مرید شریعتی نباشد، همچنان از اندیشه او سرسختانه دفاع می‌کند و سخن از بازتفسیر آن می‌گوید. پاسخش به سؤال اول به سخنرانی می‌ماند. بیشتر از نیم‌ساعت گذشته که از او می‌خواهم اجازه طرح سؤالاتم را بدهد، فرصت چالش ندارم؛ اما برخی نقدها را طرح می‌کنم و آقاجری مجدانه در دفاع از روشنفکری دینی و شریعتی سخن می‌گوید.

با توجه به تکثری که در همبستگی اجتماعی مردم دیده می‌شود و گروه‌ها و طبقات مختلف با اهداف و مطالبات مختلف در حال پدیدآمدن هستند، اساسا مجال بروز برای روشنفکری نظیر شریعتی که بتواند در میان همه این طبقات کاریزما داشته باشد، وجود دارد؟

به گمان من، وجود کاریزما در موقعیت کنونی نه ممکن است و نه مفید. مفید نیست، به دلیل اینکه کاریزما ممکن است امر وحدت را تسریع کرده و به تحول کمک کند؛ اما مشکلاتی را برای مرحله بعد به وجود می‌آورد، به‌ویژه که رهبران کاریزمایی عملا نوعی وحدت از بالا اعمال می‌کنند. بنابراین برخلاف گذشته که بر وحدت و تشابه تأکید می‌شد، امروز ما نیاز به وحدت در کثرت داریم و کثرت در وحدت. به عبارت دیگر، امروز برخلاف گذشته یا شاید بیش از گذشته، در کنار تشابه‌ها به تفاوت‌ها احترام می‌گذاریم و از آن استقبال می‌کنیم برای اینکه بتوانیم در ادامه حرکت، شاهد نوعی دموکراسی و نوعی کثرت‌گرایی دموکراتیک در جامعه باشیم.

اگر فرد یا سازمان را به‌عنوان محور همبستگی کنار بگذاریم که در شرایط فعلی خودبه‌خود کنار گذاشته شده است، ما امروز نیازمند تولید نوعی گفتمان هستیم؛ این گفتمان در عین حالی که همبستگی گفتمانی و اجتماعی در سطح فراگیر ایجاد می‌کند، با توجه به انفکاک مقوله‌ای-اجتماعی-هویتی‌ای که در چند دهه اخیر در ایران رشد کرده و تا حدودی هویت‌ها و مطالباتی حول مقوله‌هایی مانند جنسیت، طبقه، قومیت و ... در کشور شکل گرفته، به گمان من تولید گفتمان‌های کلان و خُرد ضرورت امروز است. به این معنی که به گفتمان‌های کلان و فراگیر حول مقوله‌ها و مفاهیمی که دربرگیرنده همه هویت‌ها و مطالبات در بالاترین سطح خود باشد، نیاز است. درعین‌حال در ذیل این چتر فراگیر گفتمانی واحد، ما نیازمند به خرده‌گفتمان‌هایی هستیم که هرکدام بیان واقعیت‌ها، هویت‌ها و مطالبات خُردی باشند که در جامعه امروز ایران وجود دارد. به گمان من، نسبت این گفتمان کلان و گفتمان‌های خُرد، بر اساس نوعی رابطه عمودی-افقی تنظیم می‌شود؛ یعنی یک رابطه به‌اصطلاح مشکک گفتمانی بین گفتمان‌های کلان‌تر با گفتمان‌های خُردتر. توجه داریم که در حال حاضر نه‌تنها در ایران، بلکه در سطح جهان ما با یکی از بحران‌های مهمی که روبه‌رو هستیم، بحران مرجعیت‌هاست. بحران مرجعیت‌ها یک حُسن و یک عیب دارد؛ حُسن آن این است که فضایی را آزاد می‌کند که در آن امکان ظهور و بروز فضاهای دموکراتیک و گفت‌وگویی به وجود می‌آید؛ درعین‌حال عیب آن این است که مانع همبستگی‌های کلان اجتماعی می‌شود؛ اما راه آن تولید مرجعیت‌های جدید نیست، بلکه راه آن تولید گفتمان‌های جدید به‌عنوان محور همبستگی‌هاست.

توجه داشته باشیم که دکتر شریعتی نه یک رهبر بود و نه به طریق اولی یک رهبر کاریزمایی. دکتر شریعتی یک روشنفکر بود که می‌کوشید با پروراندن یک ایدئولوژی که پاسخ‌گوی بحران‌های زمانه خودش و نیازهای جامعه دوران خودش باشد، به آگاهی و خودآگاهی تاریخی، انسانی و اجتماعی کمک کند. می‌دانید دکتر شریعتی بارها تصریح می‌کرد که قرار نیست و نباید روشنفکران به رهبران سیاسی تبدیل شوند و بخواهند قدرت را در اختیار بگیرند. دکتر شریعتی بر اساس همین درک و فهم، رسالت روشنفکری را در ادامه رسالت پیامبران تعریف می‌کرد و در نتیجه می‌گفت وظیفه روشنفکران به‌عنوان نیروهایی که خودآگاهی انسانی، تاریخی و اجتماعی دارند و بر اساس این خودآگاهی نقاد وضع موجود می‌شوند، روشنگری و آگاهی‌بخشی است؛ اما حکومت یک امر عُرفی و مردمی است و تأسیس حکومت و تشکیل یک نظام سیاسی، وظیفه توده‌های مردم است و نه وظیفه روشنفکران.

باید بگویم در شرایط فعلی، وظیفه روشنفکران ما تولید گفتمان‌هایی است که بتوانند پاسخ مشخصی به بحران‌های موجود بدهند. البته دوران ما با دوران دکتر شریعتی تفاوت‌های معنادار مهمی دارد. دکتر شریعتی پاسخ problematic و مسئله دوران خودش بود. ما امروز نیازمند پاسخ‌های دیگری هستیم برای پرسش‌ها و problematic کنونی.

با توجه به تغییر و تحولات بیش از چهار دهه‌ای که از دوران دکتر شریعتی می‌گذرد و با توجه به تجربیاتی که ما در این چهار دهه از سر گذراندیم، به‌نظر من، نسبتمان با دکتر شریعتی نسبت پیوست و گسست است؛ یعنی از یک طرف به دلیل این تحولات ما ناگزیر در یک موقعیت گسستی با دکتر شریعتی قرار می‌گیریم. اما در عین حال دکتر شریعتی هنوز یک هسته مرکزی نسبتا پایایی در اندیشه‌اش وجود دارد که ما می‌توانیم از طریق بازخوانی و نوسازی آن هسته مرکزی پایا پاسخ‌های خاص دوران خودمان را به مسائل امروز خلق بکنیم. دکتر شریعتی که خواهان تجدیدبنای اسلام و صورت‌بندی یک اسلام متناسب با دوره جدید و معطوف به نقد اسلام سنت‌گرا بود.

> **با توجه به تغییر و تحولات بیش از چهار دهه‌ای که از دوران دکتر شریعتی می‌گذرد و با توجه به تجربیاتی که ما در این چهار دهه از سر گذراندیم، به‌نظر من، نسبتمان با دکتر شریعتی نسبت پیوست و گسست است**

اگر در زمان دکتر شریعتی تقابل اردوگاهی میان جهان سرمایه‌داری با کمونیسم بود، امروز این تقابل تبدیل به تقابل جهان سرمایه و سلطه غربی با بنیادگرایان مذهبی شده است. لذا روشنفکری امروز به‌خصوص روشنفکری دینی و اسلامی در مقابل این دستورکار قرار گرفته که تکلیف خودش را با این دو گفتمان رقیب تعیین بکند.

روشنفکران به‌عنوان تولیدکنندگان اندیشه متمایز از بوروکرات‌ها یا تکنوکرات‌ها باید افق آینده جامعه و سیاست رهایی جامعه را بپرورانند. البته توجه داریم که از اواخر قرن بیستم یعنی از دهه یا دو دهه آخر قرن بیستم به بعد تا به امروز، با پیروزی گفتمان‌های سرمایه‌دارانه و نولیبرالی بر کمونیسم شاهد ادعاهایی درخصوص ورود به عصر پایان‌ها بودیم که عمدتا ایدئولوگ‌های جهان سرمایه‌داری این بیان‌ها را در جهان ترویج می‌کردند؛ ادعاهایی همچون پایان تاریخ، پایان ایدئولوژی و چیزهایی از این قبیل به جهان اعلام می‌کرد که جهان سرمایه‌داری نهایت منطقی تاریخ است. اما تجربه چند دهه اخیر نشان داد که این ادعا بی‌پایه و اساس است؛ به‌طوری که می‌توانیم بگوییم ما وارد دوران پایان پایان‌ها می‌شویم؛ یعنی امروز دوباره نیاز به نوعی ایدئولوژی چه در ایران و چه در سطح جهان احساس می‌شود؛ ایدئولوژی‌هایی که بتواند هم تولید معنا بکند و هم کمک بکند به برساختن هویت‌های جدید برای جمعیت‌های انسانی. شما وقتی از جامعه، ایدئولوژی‌هایی که می‌توانند همبستگی اجتماعی ایجاد بکنند، امید و افق رو به آینده ترسیم بکنند را فرومی‌پاشانید عملا به ذره‌ای و اتمیزه‌شدن جامعه کمک می‌کنید. متأسفانه ما در طول دو، سه دهه اخیر شاهد فرایند ذره‌ای‌شدن و اتمیزه‌شدن جامعه بودیم. این ذره‌ای‌شدن البته علاوه‌بر عوامل فرهنگی و ایدئولوژیک، عوامل اقتصادی و اجتماعی هم داشت و دارد؛ ولی به هر حال نتیجه این بود که جامعه فاقد یک مبنای هویت جمعی و فاقد یک رؤیا و آرمان شد که عملا درواقع آن را خلع سلاح کرد. در دهه اخیر احساس نیاز به برساختن نوعی ایدئولوژی تازه در میان قشرهای مختلف مردم دارد به وجود می‌آید، منتها این ایدئولوژی‌های تازه در حال حاضر بیشتر ایدئولوژی‌های مقوله‌ای-هویتی است یعنی ایدئولوژی‌هایی که پاسخ‌گوی مطالبات مثلا زنان است در گفتمان‌های فمینیستی. یا ایدئولوژی‌هایی است که پاسخ‌گوی مطالبات قومی و اِتنیکی است. در ایدئولوژی‌های اِتنیکی و ناسیونالیستی و به همین ترتیب ایدئولوژی‌های طبقاتی یا ایدئولوژی‌های خاص فرقه‌ای. من فکر می‌کنم که بازتفسیر و تجدیدبنای اندیشه دکتر شریعتی که عبارت است از برساختن و بازتفسیر یک اسلام معنوی و اخلاقی که در خدمت انسان است و ویژگی آن، برابری‌طلبی بین زن و مرد و اقوام و نفی تبعیض است. درعین حال آزادی‌خواه و دموکراسی‌خواه است و خواهان یک جامعه متکثر و دموکراتیک است که در آن جامعه متکثر و دموکراتیک به‌صورت پیشینی هیچ امتیاز ویژه‌ای به هیچ فرد و گروهی نمی‌دهد.

بنابراین روشنفکری دینی ما در آینده به‌خصوص روشنفکری‌ای که خودش را در ادامه گسست‌آمیز با دکتر شریعتی تعریف می‌کند که من اسم آن را «روشنفکری نوشریعتی» می‌گذارم، به‌دنبال نظریه‌ای است که در خودش شعار دولت سکولار، جامعه پساسکولار دارد. یعنی ما کثرت و تنوع را در جامعه می‌پذیریم، در این جامعه صاحبان همه اندیشه‌ها می‌توانند حضور داشته باشند.

به گمان من انتظاری که امروز از دکتر شریعتی و روشنفکری نوشریعتی می‌رود، کوشش در راه تدوین یک سیاست رهایی است. توجه بکنید که ما در سطح سیاست زندگی فعلا بحث نمی‌کنیم. من عرض می‌کنم که ما ابتدا به یک سیاست رهایی نیاز داریم که البته سیاست زندگی مبتنی‌بر این سیاست رهایی است. سیاست رهایی روشنفکری نوشریعتی مؤلفه‌ها و شاخص‌هایش عبارت است از یک اسلام معنوی برابری‌طلب، آزادی‌خواه و دموکراتیک و مدرن.

پاسخ شما شبیه به سخنرانی شد! اگر اجازه بدهید من سؤالات زیادی درباره صحبت‌های شما دارم که مطرح کنم. اولا شما می‌فرمایید که ما الان به گفتمان احتیاج داریم؛ گفتمان‌های کلان و گفتمان‌های خُرد. بعد در جای دیگر صحبت‌تان اشاره کردید که ما نیازمند بازتولید ایدئولوژی هستیم. طبیعتا گفتمان و ایدئولوژی متفاوت است. فضای گفتمان فضای دیالکتیک و تغییر است ولی ایدئولوژی‌ها ساختارهای منجمد هستند که امکان تغییرات و تحرک در آن وجود ندارد. به همین واسطه هم گروهی از روشنفکران معتقد هستند که دوره روشنفکری آرمان‌گرا سپری شده یا به عبارت دیگر دوره ایدئولوژی‌ها یا حتی بازتولید ایدئولوژی‌ها گذشته و باید به سمت تولید گفتمان برویم اما من در صحبت‌های شما نمی‌توانم به جمع‌بندی برسم به این جهت که شما هم می‌فرمایید که ما الان از ماجرای چهره‌های کاریزماتیک عبور کردیم و باید به بحث تولید گفتمان برسیم. در جای دیگر بحث تولید ایدئولوژی را مطرح می‌کنید. شما چه نسبتی بین ایدئولوژی و گفتمان برقرار می‌کنید؟ این بازتولید ایدئولوژی که می‌فرمایید چه قرابتی می‌تواند با بحث گفتمان و خرده‌گفتمانی که شما می‌فرمایید، داشته باشد؟

ببینید! من حس می‌کنم اشتباهی که عرض کردم در دهه ۷۰ رخ داد، الان در بیان شما هنوز زنده است. این را تصحیح بکنم؛ ما گونه‌های مختلف ایدئولوژی داریم. استالینیسم هم یک ایدئولوژی بود. فاشیسم هم یک ایدئولوژی بود. داعشیسم هم امروز یک ایدئولوژی است. اما دموکراسی هم یک ایدئولوژی است. لیبرالیسم و فمینیسم هم یک ایدئولوژی است. جنبش‌های فمینیسمی که گفتمان برابری‌طلب برای زنان دارند، متکی به ایدئولوژی فمینیستی هستند. چه کسی گفته ایدئولوژی یک بسته متصلب لایتغیر ابدی ازلی است!؟ هرگز. ایدئولوژی برساخته انسانی است. ما ایدئولوژی را براساس نیازهای واقعی‌مان برمی‌سازیم و متناسب با تغییرات در آن تغییر ایجاد می‌کنیم. ایدئولوژی ابزار تفسیر و تغییر جهان است. درعین‌حال خودش در روند این تفسیر و تغییر جهان می‌تواند مورد تجدیدنظر و بازسازی قرار بگیرد. ما امروز نیازمند ایدئولوژی‌های تازه هستیم که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای امروز باشد.

آن تغییر و بازسازی می‌شود یک ایدئولوژی دیگر آقای دکتر. یعنی از دلش یک ایدئولوژی دیگر...

ببینید! شما وقتی از گفتمان صحبت می‌کنید، اصلا گفتمان غیرایدئولوژیک نیست. شما گفتمان‌های خرد و کلان‌تان حتما متکی به ایدئولوژی‌هاست. ببینید! فرض می‌کنیم اگر امروز در ایران مثلا طبقه کارگر ما مطالبات طبقاتی دارد و گفتمان مسلط بر جنبش کارگری یک گفتمان ضدطبقاتی است، خب این گفتمان ضدطبقاتی مبتنی‌بر یک تفسیر ایدئولوژیک از واقعیت و مناسبات استثماری در جامعه سرمایه‌داری است. ناسیونالیسم یک ایدئولوژی است.

امروز اتفاقا گرایش‌های ناسیونالیسم ایرانی در جامعه ما بسیار قوی است. این یک نوع ایدئولوژی است منتها در همین ناسیونالیسم شما می‌توانید ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی‌ای داشته باشید که با انترناسیونالیسم انسانی و با صلح جهانی و با برابری همه ملت‌ها سازگار باشد و می‌توانید یک ایدئولوژی ناسیونالیستی هم داشته باشید که از دل آن ایدئولوژی ناسیونالیستی، عظمت‌طلبی مهاجم و تحقیرکننده ملت‌های دیگر و نژادپرستی و.. دربیاید؛ کمااینکه متأسفانه گاهی ما در ایران امروز شاهد آن هستیم. ما امروز حتما نیازمند یک چارچوب وسیع ایدئولوژیکی و فرهنگی هستیم که پذیرای ایران، تاریخ ایران و فرهنگ و تمدن بزرگ ایرانی باشد و گذشته ایران و ایران باستانی را به‌عنوان دوران جاهلی انکار یا سرکوب نکند. نسبت ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌ها نسبت عموم و خصوص من وجه است، نه نسبت تناقض. یعنی هر گفتمانی حتما صبغه‌ای ایدئولوژیک در خودش دارد.

شما در صحبت‌هایتان بارها ارجاع می‌دهید به اینکه گفتمان دکتر شریعتی باید بازتفسیر و نوسازی بشود. قرائت شریعتی ایدئولوژیک است، ایدئولوژی دین چون بحثش دینی بود، توانست که مخاطب جذب بکند. شما هم اکنون از اسلام جدیدی حرف می‌زنید که ویژگی‌های آن را برشمردید. منتها موضوع این است که در متن قرار دادن اسلام و تفسیرهای جدید از اسلام با شرایط حال حاضر چقدر این قابلیت را دارد که بتواند طبقات مختلف را دور هم جمع کند؟ به طور مشخص آیا الان گفتمان جدید یا خلق یک تفسیر جدید از اسلام (که خب معمولا روشنفکری دینی کارش همین بوده) توانایی این را دارد که اصلا بتواند گسست اجتماعی را پر کند؟

اولا اجازه بدهید من عرض کنم که هیچ تحول و تغییر اجتماعی که نیازمند یک کارگزار جمعی است (collective agency) بدون ایدئولوژی ناممکن است؛ یعنی شما اگر بخواهید همبستگی ایجاد کنید و این جمع همبسته در یک جهت برای تحول حرکت کند، حتما نیازمند ایدئولوژی هستید. دوم اینکه ما در ایران فکر نمی‌کنم از اسلام اجتماعی، اسلام دینی و اسلام اخلاقی عبور کرده باشیم. فراموش نکنیم که برخی از مردم ما ممکن است با رویکرد رسمی مخالف باشند، اما اینها همان مردمی هستند که عاشورا عزاداری می‌کنند، ماه رمضان روزه می‌گیرند، مسجد می‌روند. ببینید، بحث من از نوع ایدئولوژی است؛ یعنی ما برای جامعه خودمان نیازمند ارائه اسلامی هستیم که این اسلام «دربرگیرنده» باشد. اسلامی که من از آن حرف می‌زنم به تفاوت احترام می‌گذارد.

ما امروز بعد از یک تجربه ۴۰ ساله به این نتیجه رسیده‌ایم که باید در کنار وحدت و تشابه؛ تنوع و تفاوت را هم پاس بداریم؛ بنابراین در این فضای متنوع و متکثر من می‌گویم روشنفکری دینی مسلمان می‌تواند روی آرمان‌ها و شعارهای مشترک با همه آنهایی که دنبال آزادی و دموکراسی هستند، آنهایی که دنبال عدالت و من اضافه می‌کنم سوسیالیسم هستند؛ (اشتراک داشته باشد) یعنی ما امروز نیازمند ایدئولوژی‌ای هستیم که این ایدئولوژی «عدالت‌خواه» باشد، «مخالف با استثمار»، «مخالف با تبعیض» و «طرفدار برابری» باشد.

آیافکر می‌کنید که این ایدئولوژی -طبق فرمایش شما که می‌فرمایید ما الان به یک ایدئولوژی نیاز داریم که آرمان تولید کند- حتما باید دینی باشد؟

من می‌گویم جامعه امروز ایران یک جامعه متکثر است، به‌هیچ‌وجه نمی‌گویم همه کسانی که امروز در ایران زندگی می‌کنند تعلقات فکری و ذهنی دینی دارند.

ادامه در صفحه ۱۵

روزنه

بازنگری اساسنامه بنیاد صیانت از خانواده

● به گزارش واحد اطلاع‌رسانی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، بنیاد صیانت از خانواده با استفاده از ظرفیت‌های مختلف مردمی با هدف توجیه و ساماندهی مشاهیر و سرمایه‌های ملی و اجتماعی و منابع مختلف مردمی در زمینه خانواده، ایجاد سامانه و ظرفیتی خلاق برای جاانداختن موضوع خانواده برای پیشگیری از وقوع جرم در سال ۹۰ در اداره کل پیشگیری‌های مردمی قوه قضائیه راه‌اندازی شد و ریاست آن را حجت‌الاسلام طباطبایی، استاد اخلاق در خانواده، برعهده داشت که در دوران بیماری و سپس با درگذشت ایشان فعالیت این بنیاد متوقف شد.

قوه قضائیه با احیای این بنیاد سعی دارد از نو فعالیت آن را آغاز کند و برنامه‌های متنوعی با حضور سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های متولی امر خانواده طرح‌ریزی کرده است. برنامه بازنگری اساسنامه صیانت از خانواده در جلسه اداره کل پیشگیری‌های مردمی قوه قضائیه مطرح شد که اعضای این بنیاد با بیان عملیاتی‌نبودن اساسنامه قبلی بر بازنگری آن اتفاق‌نظر داشتند.

سیدعلی‌اصغر رفاهی، مدیرکل پیشگیری‌های مردمی و مشارکت‌های مدنی قوه قضائیه در این جلسه اظهار کرد: فعالیت بنیاد صیانت از خانواده موازی‌کاری نیست؛ بلکه اقدامات با هماهنگی همه نهادهای متولی حوزه خانواده و سازمان‌های مردم‌نهاد انجام می‌شود.

او از تشکیل چند کمیسیون تخصصی مددکاری اجتماعی، حقوقی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و شورای هماهنگی کمیسیون‌های تخصصی در این بنیاد خبر داد و گفت: مجلس علمی خانواده در بنیاد صیانت از خانواده برای جذب دیگر دانشوران و خبرگان فعال در این حوزه باید ایجاد شود.

به گفته رفاهی پس از شکل‌گیری اولیه بنیاد، برنامه انتخاب همسر و مادر نمونه با همکاری معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری و خانواده موفق اقتصادی با همکاری کمیته امداد امام خمینی اجرائی می‌شود.

تقویت‌تفکر‌اجتماعی‌در‌قوه‌قضائیه‌فرصت مناسبی‌برای‌نهادینه‌کردن‌آن‌است

سیدحسن موسوی‌چلک، رئیس انجمن جامعه مددکاری، در ادامه این نشست با ارائه پیشنهادهایی نخست خواستار آسیب‌شناسی فعالیت‌های انجام‌شده قبلی در این بنیاد شد و گفت: قوه قضائیه به‌عنوان مجموعه سیاست‌گذار نخست باید حوزه انتظارات خود را از این بنیاد تشریح و وظایف را احصا کند و گام بعدی هم بازنگری اساسنامه باشد.

موسوی‌چلک خواستار حضور استان‌هایی در جلسات بنیاد صیانت از خانواده بود که پیش‌تر در این حوزه فعالیت کردند و موفق بودند؛ چون این استان‌ها تجربه زیسته دارند و می‌توانند مثمرثمر باشند.

رئیس انجمن جامعه مددکاری اظهار کرد: تقویت تفکر اجتماعی در قوه قضائیه فرصت مناسبی برای نهادینه‌ترکردن آن است و بهتر است نشستی با حضور معاونان اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم استان‌ها برگزار و اساسنامه با حضور آنان بازنگری شود.

او ادامه داد: از سمن‌ها هم باید در تهیه و بازنگری اساسنامه دعوت کرد؛ چون اگر آنان در این امر مشارکت داشته باشند، در اجرا هم مسئولیت‌پذیرتر خواهند بود.

سپس مهدی جوهری، معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم استان البرز، با انتقاد از ساختار اساسنامه قبلی بنیاد صیانت از خانواده، گفت: ساختار اساسنامه قبلی طوری نبود که بتواند حرکت و از نهاد خانواده صیانت کند. اهداف خوب بود؛ اما تیم نمی‌توانست به سمت اهداف پیش برود.

او افزود: ساختار باید طوری دیده شود که شرکای اجتماعی مانند دفتر حمایت از حقوق زنان، بهزیستی، معاون اجتماعی ناجا و... بتوانند حضور داشته باشند و با حضور آنان موازی‌کاری کاهش می‌یابد.

جوهری موفقیت برخی استان‌ها مانند استان البرز را به دلیل همکاری‌های بین‌بخشی و گروهی عمل‌کردن دانست و تصریح کرد: اشخاصی باید در بنیاد صیانت از خانواده معرفی شوند که خود یک برند اجتماعی باشند و سابقه فعالیت درخشان در این زمینه داشته باشند.

او همچنین خواستار کم‌رنگ‌شدن بُعد دولتی و حاکمیتی این بنیاد شد و ادامه داد: نقش سمن‌ها در بنیاد صیانت از خانواده بسیار پررنگ‌تر باید باشد و اگر اساس کار مردمی باشد، بهتر می‌تواند فعالیت کند.

حجت‌الاسلام ابراهیمی، مشاور معاون قوه قضائیه، با طرح چند پرسش که آیا هویت بنیاد دولتی است یا خصوصی؟ و آیا از ظرفیت‌های مردمی در این بنیاد استفاده خواهد شد یا نه، گفت: مشخص‌شدن نقش اداره کل پیشگیری‌های مردمی در اجرای موفقیت‌آمیز نقش چشمگیری دارد.